

چگونگی شکل‌گیری حس مکان در کودکان*

علیرضا مستغنی** - شهرزاد اعتمادی***

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۲۵
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۵/۹

چکیده

حس مکان، عاملی است که در شکل‌گیری هویت انسان تأثیر به‌سزایی دارد. بخش مهمی از هویت هر فرد در دوران کودکی و با توجه به تصویرهای ذهنی و خاطرات جمعی و مکانی وی پایه‌ریزی می‌شود؛ به گونه‌ای که زمینه‌ساز بسیاری از روحيات و ویژگی‌های فردی و اجتماعی همچون کاهش اضطراب، دستیابی به عزت نفس و روحیه جمعی و تعاملی و غیره در افراد جامعه خواهد بود. بنابراین بررسی مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن به ویژه در دوران کودکی، امری ضروری است که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد. این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی و برپایه مرور منابع کتابخانه‌ای در زمینه روانشناسی محیط و روانشناسی کودکان نگارش شده است. از این رو ابتدا به معرفی مکان، حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن به طور کلی پرداخته شده و سپس ضرورت ایجاد این احساس تعلق به مکان، در کودکان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در ادامه با بیان ویژگی‌های کودکان از درک مفهوم دلبستگی در سنین مختلف، به جایگاه دلبستگی به مکان در شکل‌گیری هویت آن‌ها اشاره خواهد شد. در نهایت با معرفی مکان‌های مورد علاقه کودکان و ویژگی‌های شکل‌دهنده آن، به ارائه راهکارهای عملی و الگویی جهت ایجاد حس مکان در کودک می‌پردازد. نتایج حاصل از بررسی‌ها و تطابق‌ها، حاکی از تأثیر به‌سزای عوامل فعالیتی و تعاملی در غالب بازی-مشارکت، برای دخل و تصرف در مکان توسط کودک و مشارکت او در طراحی فضاها و ایجاد قلمروهای شخصی می‌باشد.

واژگان کلیدی: حس مکان، تعلق خاطر، دلبستگی، هویت، مشارکت.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله کارشناسی‌ارشد نویسنده دوم با عنوان «طراحی داخلی مجتمع خدمات بهزیستی شیرخوارگاه و خانه نوباوگان آمنه تهران» است که با راهنمایی جناب آقای دکتر علیرضا مستغنی و مشاوره سرکار خانم دکتر نادیه ایمانی در گروه معماری داخلی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر تهران می‌باشد.

** استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

*** دانشجوی کارشناسی‌ارشد معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

شناخت مکان را می‌توان به نوعی به شناخت هویت خود تعبیر نمود. با تعریف کردن مکان‌ها و شکل بخشیدن به آن (هندسه)، شناخت آن‌ها قابل فهم شده و انسان مکان و مرتبه خود را در این عالم کشف و هویت او نمایان می‌شود (Habibi, 2008, p. 41). از طرفی در دوران کودکی، دلبستگی‌های گوناگون زمینه ساز شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی افراد است. تعلق انسان به مکان (در کنار دلبستگی به مکان) یکی از مهمترین وابستگی‌ها در این دوران است. هدف اصلی در این پژوهش معرفی عواملی است که در شکل‌گیری حس مکان در کودکان تأثیرگذار است. در این راستا به موارد جزئی‌تری همچون نحوه بررسی وجود حس مکان در رده سنی کودکان، ضرورت و زمینه‌های ایجاد آن، تأثیر ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی کودکان در ایجاد حس تعلق به مکان و معرفی ویژگی‌های مکانی به وجود آورنده دلبستگی در کودکان پرداخته شده است. از این رو با بررسی نظرات محققان و صاحب‌نظران در زمینه روانشناسی محیط و روانشناسی کودک، معیارهای کلی حس مکان مورد مطالعه قرار گرفته و در ادامه به شناخت جزئی‌تر عوامل زمینه ساز آن در دوران کودکی پرداخته خواهد شد. برای این منظور شناخت تعاریف دوستی و دلبستگی در کودکان و ویژگی‌های مؤثر بر آن مورد نظر قرار گرفته و مکان‌های مورد علاقه کودکان، با معیارهای دلبستگی بررسی شده است و در نهایت سعی بر آن است که به ارائه مفاهیم و ویژگی‌های دلبستگی مکان در دوران کودکی پرداخته و راهکارهایی در جهت ایجاد این احساس ارائه شود.

از آن‌جا که بخش عمده دلبستگی‌های مکانی کودکان از طریق عوامل فرهنگی-اجتماعی و در بستر تعامل با افراد خانواده و محله صورت می‌گیرد و از طرفی با توجه به شیوه زندگی امروز و مشغله والدین، کودکان بخش زیادی از ساعات شبانه روز را در فضاهایی جمعی همچون مهدکودک‌ها و مراکز آموزشی و پرورشی سپری می‌کنند؛ از این رو در این پژوهش سعی در ارائه راهکارهایی عملی جهت طراحی مطلوب‌تر چنین فضاهای تجمعی کودکان است که امکان مداخله و طراحی ویژه فضا برای کودک وجود دارد.

۱. روش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات

در این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات و مرور متون و منابع پرداخته شده است. پژوهش در زمینه‌های روانشناسی محیط و طراحی معماری، بر اساس روش‌های تحقیق توصیفی-تحلیلی، پیرامون مبانی نظری تحقیق و بررسی یافته‌های نوین در ارتباط با آن استوار است.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهشگران زیادی به مطالعه مکان، حس مکان و زمینه‌های شکل‌گیری آن در مقیاس‌های مختلفی چون خانه، محله، شهر، کشور و مکان‌های متفاوتی مانند محل کار، فضاهای آموزشی، فضاهای عمومی و تفریحی پرداخته‌اند. در همین راستا پژوهش‌هایی در زمینه شکل‌گیری حس تعلق به مکان در سنین کودکی توسط افرادی چون چاولا (۱۹۹۲)، پروشانسکی^۲ (۱۹۸۷)، کورپلا^۳ (۲۰۰۲) و غیره صورت گرفته است که به معرفی عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری حس دلبستگی مکان در کودکی می‌پردازد.

اما در مطالعات انجام شده در کتب و مقالات داخلی به طور ویژه به رده سنی کودکان پرداخته نشده است بلکه به صورت کلی به مکان و حس مکان اشاره شده که از آن جمله می‌توان به ارائه مدل دلبستگی به مکان توسط عباس دانشپور و منصور سپهری مقدم (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان تبیین مدل "دلبستگی به مکان" و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن اشاره کرد. از این رو مطالعه حس تعلق به مکان در سنین کودکی که پایه گذار شکل‌گیری شخصیت افراد جامعه است، ضروری به نظر می‌رسد.

۳. مبانی نظری

۱-۳- مکان، حس مکان و عوامل شکل‌گیری

مکان، محملی برای قرار یافتن و به آرامش رسیدن انسان سرگشته‌ای است که در طول هزاران سال تاریخ پرنشیب و فراز خویش، بارها و بارها به آفرینش آن دست یافته است (Partovi, 2005, p. 45). شناخت مکان را می‌توان به نوعی به شناخت هویت خود تعبیر نمود. با تعریف کردن مکان‌ها و شکل بخشیدن به آن (هندسه)، شناخت آن‌ها قابل فهم شده و انسان مکان و مرتبه خود در این عالم را کشف کرده و هویت او نمایان می‌شود (Habibi, 2008, p. 41).

شولتز^۴ (۱۹۷۴) بیان می‌کند: "هستی فضاها، از مکان‌ها است نه از خود فضا". بنابراین طراحی فضا به شناخت ما از مکان و آن چه حس مکان نامیده می‌شود، وابسته است (Modiri, 2008, pp. 69-71). حس مکان^۵، به معنای ویژگی‌های غیرمادی یا شخصیت مکان است، که معنایی نزدیک به روح مکان دارد. در واقع حس کلی که پس از ادراک و قضاوت

نسبت به محیطی خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود؛ که عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (Falahat, 2006, pp. 57-58).

عوامل متعددی در ایجاد دلبستگی به مکان تأثیرگذار است، دانشپور و همکاران (۲۰۰۹) به تبیین این عوامل پرداخته‌اند که به طور خلاصه در جدول زیر بیان شده است.

جدول ۱: عوامل شکل‌دهنده حس مکان

شرح عنوان	عوامل شکل‌دهنده حس مکان
مهمترین عوامل کالبدی موثر در ادراک و حس مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است.	عوامل کالبدی
دلبستگی به مکان با رشد تعامل مثبت افراد و تطابق اجتماعی آن‌ها در مکان، توسعه می‌یابد.	عوامل اجتماعی
گروه‌ها، خانواده‌ها، اعضاء جامعه و فرهنگ‌های مشابه در دلبستگی به یک مکان خاص اشتراک دارند. از سوی دیگر دلبستگی به مکان وابسته به فعالیت‌هایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می‌دهند.	عوامل فرهنگی
افراد بر اساس ترجیحات آگاهانه‌ای که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی آن‌ها می‌باشد، مکان‌ها را انتخاب می‌کنند و به آن‌ها دلبسته می‌شوند.	عوامل فردی
دلبستگی به مکان عموماً پس از آن که افراد تجربه درازمدت یا قوی با یک مکان دارند، اتفاق می‌افتد و در این فرایند است که مکان، معنا می‌یابد.	خاطرات و تجارب
رابطه عاطفی بین فرد و مکان به رضایت وی از مکان و نحوه ارزیابی آن بستگی دارد. میزان آن وابسته به ادراک فرد از مکان و میزان رضایت او از آن است.	رضایتمندی از مکان
در واقع این امر ریشه در نحوه تعامل افراد با مکان کالبدی و اجتماعی در قالب تعاملات شناختی، رفتاری، عاطفی و معنایی دارد که نتیجه آن دلبستگی به مکان است.	عوامل فعالیتی و تعاملی
همانگونه که پیشتر ذکر شد عامل زمان یا به عبارتی طول مدت سکونت و آشنایی با مکان، در افزایش دلبستگی به مکان نقش دارد.	عامل زمان
حضور افراد در فرایند خلق مکان سبب می‌گردد تا آن‌ها احساس بیشتر و بهتری نسبت به آن مکان داشته باشند.	مشارکت در طراحی مکان

(According to Daneshpour et al., 2009, pp.37-50)

شولتز در مطالعات خویش درباره روح مکان بیان می‌کند که ارتباط انسان با خصوصیات محیطی معمولاً در دوران کودکی بسط پیدا می‌کند. کودک بر روی شن، زمین، سنگ یا خزه، زیر آسمان ابری یا صاف راه رفته یا بازی می‌کند. صداها را می‌شنود، گرما و سرما را تجربه می‌کند. بدین سان بر محیط آگاه شده و شاکله‌های دریافتی را که تعیین‌کننده تمامی تجربه‌های آینده‌اند بسط می‌دهد (Schultz, 2009, p. 38).

از آن جا که دوران کودکی یکی از مهمترین دوران در زندگی هر فرد و زمینه ساز شکل‌گیری شخصیت و تجارب آینده وی است، بنابراین در ادامه به منظور آگاهی بیشتر نسبت به اهمیت موضوع، به لزوم ایجاد حس مکان در کودکان و فواید آن اشاره می‌شود.

۲-۳- ضرورت ایجاد حس مکان در کودکان

به نظر می‌رسد که در کودکی، دو نوع از روابط دلبستگی و دوستی قابل مشاهده است. رفتار دلبستگی در اوایل دوران کودکی، هنگامی که نگرانی امنیت اولیه وجود دارد. در حالی که در پی پیشرفت‌های عاطفی و شناختی کودکان، آن‌ها بهتر به ارزیابی اهداف و انگیزه‌های دلبستگی و بهبود مهارت‌های مقابله با استرس می‌پردازند. در کودکان بزرگتر، دلبستگی در شرایط پراسترس و یا موفقیت فردی و شناخت اجتماع، بسیار قابل مشاهده است (Bretherton, 1985, p. 25).

یکی از ارزش‌های دل‌بستگی مکان^۶ که به طور گسترده بیان می‌گردد، کمک به کودکان در به دست آوردن هویت^۷ شخصی‌شان است. علاوه بر این، تعلق مکان یک مزیت تکاملی را برای کودکان جهت رسیدن به نتایج شناختی و اجتماعی بهتر علاوه بر جنبه‌های عاطفی آن فراهم می‌آورد (Chatterjee, 2005, p. 10). محققان زیادی به بررسی این که تا چه اندازه دل‌بستگی یا رابطه عاطفی با محل در کودکی، می‌تواند در توسعه جنبه‌های مهم شکل‌گیری هویت در بزرگسالی و رسیدن به عزت نفس و خود کارآمدی نقش داشته باشد، پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که دستیابی به هویت از طریق دل‌بستگی به مکان، سبب کاهش اضطراب و رسیدن به عزت نفس در کودک می‌شود (Karpela, 2002, pp. 363-373). کودکان از طریق دل‌بستگی به مکان، هویت شخصی خود را به دست می‌آورند (Spencer & Wooley, 2000, p. 182). در واقع هویت مکان^۸، زیر بنایی از هویت خود فرد و متشکل از درک گسترده شناخت‌های او در مورد دنیای فیزیکی است که در آن زندگی می‌کند (Proshansky et al., 1995, p. 89). طبق نظر رالف^۹؛ خصوصیات کالبدی، معانی و فعالیت‌ها، سه پایه هویت مکان را شکل می‌دهند و تعامل انسان با این سه عنصر است که حس مکان را شکل می‌دهد (Modiri, 2008, p. 76).

با توجه به مطالب ذکر شده، ایجاد دل‌بستگی به مکان در دوران کودکی می‌تواند نقش به‌سزایی در شکل‌گیری هویت هر فرد و در نتیجه آن هویت یک جامعه داشته باشد. از این رو فراهم آوردن بستر مناسب جهت ایجاد دل‌بستگی به محیط، با شناخت کامل این گروه سنی ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۳- تبیین مفهوم حس مکان در کودکان

در تعریف حس مکان در دوران کودکی، چاولا بیان می‌کند: «کودکان، وابستگی خود به مکان را زمانی نشان می‌دهند که از بودن در آن محل احساس شادمانی و با ترک آن احساس پشیمانی یا ناراحتی کنند. به گونه‌ای که، آن مکان را نه تنها برای ارضاء نیازهای فیزیکی، بلکه به جهت کیفیت‌های ذاتی آن ترجیح می‌دهند (Chawla, 1992, p. 64). بر اساس مطالعات وی، تقریباً از میانه‌های دوران کودکی که دل‌بستگی اجتماعی عمیق به خانواده کمتر می‌شود، تجربه کودک از محیط فیزیکی و در نتیجه آن دل‌بستگی به مکان نمودار می‌شود (Chatterjee, 2005, p. 3).

دل‌بستگی مکان، کوشش درونی برای تأمین امنیت و کمک به کودک برای مقابله با استرس و اضطراب است. هنگامی که کودک با مکانی در ارتباط می‌باشد که پایگاه امن او و فراهم‌کننده کیفیت‌های امنیتی است. جدایی از آن محیط برایش اضطراب آور می‌باشد (Bowlby, 1982, pp. 20-34). در واقع مکانی است که کودک به آن متصل شده و یک پایگاه امن برای او به شمار می‌رود. هنگامی که او برای کشف محیطی جدید از آن دور می‌شود، در هنگام مواجهه با ترس و استرس به آن باز می‌گردد.

در اوایل دوران کودکی و قبل از شکل‌گیری ایده‌های دوستی، دل‌بستگی مکان، کودک را در یک پایگاه امن نگه می‌دارد و برای او امکان کشف محیط‌های گسترده‌تر و مشاهده جاهای دیگر را فراهم می‌آورد. تا از این طریق به یافتن دوستان جدید جهت به اشتراک گذاری علایق و فعالیت‌ها و به منظور توسعه مهارت‌های محیطی خویش بپردازد (Chawla & Heft, 2002, pp. 35-42).

از سنین پایین، کودکان دچار احساسات و عواطف مثبت و منفی ناخودآگاه در مورد محیط اطرافشان می‌شوند که در نهایت منجر به شکل‌گیری تصاویر قوی مثبت یا منفی در ذهن آن‌ها خواهد شد. واکنش کودک در مواجهه با مکان، معمولاً بسیار متفاوت است از آن چه که توسط بزرگسالان بیان می‌شود (Matthews, 1992, p. 236). تجربه‌ای که کودکان به طور معمول با کاوش و بازی در مکانی نزدیک خانه در سال‌های قبل از مدرسه و از طریق اکتشاف محیط محلی اطراف خود در دوران کودکی به دست می‌آورند، سبب گسترش اکتشافات و تعلقات محیطی در دوران جوانی می‌شود (Jack, 2010, p. 759). به طور کلی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان استفاده کودکان از فضا، سن آن‌ها است. تا سن چهار یا پنج سالگی، به نظر می‌رسد که خانه منبع اصلی دل‌بستگی مکان در کودک باشد. با این حال، زمانی که آن‌ها مدرسه ابتدایی را ترک کنند، به طور معمول درک خویش از محل اطرافشان را توسعه داده و مکان خود را از جهانی در بعد وسیع‌تر تشخیص می‌دهند. تجربه کاوش در بخش‌های مختلف محله‌شان، به طور مستقل و یا در کنار افراد بزرگسال و گروه همسالانشان، امکان ایجاد حس مکان را برای کودک فراهم می‌آورد (Siegel & White 1975, pp. 40-56).

فضاهای باز مطلوب از نظر کودکان، به عوامل متعدد دیگری علاوه بر سن، از جمله طبقه اجتماعی کودک و ماهیت محیط محلی وی نیز بستگی دارد. با این حال، مطالعات نشان می‌دهد که مکان‌های مطلوب برای اکثر کودکان شامل خانه‌ها و باغ‌ها، خیابان‌های در نزدیکی محله، پارک‌ها، زمین‌های بازی و میادین ورزشی است (Jack, 2008, p. 759). مطالعات متعددی نیز بر اهمیت خاص مکان‌های مخفی بدون نظارت تأکید می‌کند. زیرا چنین فضاهایی امکان بازی‌های تخیلی را تسهیل می‌کند (Thomas & Thompson, 2004, pp. 43-57).

بر اساس مطالب بیان شده، محیط‌هایی که برای کودکان طراحی می‌شود، باید پتانسیل‌های بالقوه‌ای جهت تعامل کودکان در سنین مختلف را ارائه دهد. بدین ترتیب کودک با چنین مکان‌هایی ارتباط عمیق عاطفی داشته و خود را جزئی از آن پنداشته و احساس تعلق می‌کند.

۴-۳- تبیین معیارهای ایجاد حس مکان در کودکان

به منظور ایجاد محیط‌های کودک پسند، طراحی مکان‌ها با کارایی‌های بالقوه که توسط کودکان تحقق یابد، منجر به حس مکان می‌شود. ساخت و ساز در محیط توسط کودکان مانند ساختن غارها، قلعه‌های بازی و سایر تلاش‌های آگاهانه برای تعریف مکان‌های خاص مانند نقاشی‌های دیواری و کتیبه، ارائه نمادی از قلمرو کودک در محیط است (Chatterjee, 2005, p. 13). از طرفی مکان کودک پسند، محیطی است که اکتشاف و شکوفایی را ترویج کرده و کارایی‌هایی را برای ایجاد فعالیت‌های مختلف و تعاملات اجتماعی ارائه دهد. فرصت‌هایی برای یادگیری از محیط زیست ایجاد کند و پتانسیل‌های ویژه‌ای در محیط، از طریق شکل‌دهی فیزیکی به ویژگی‌های مکان و استفاده مکرر از آن به وجود آورد.

از آن‌جا که فعالیت به عنوان عامل اصلی رشد و یادگیری کودک، فرآیندی است که در ارتباط با فضا و محیط کودک، رشد همه‌جانبه او را امکان‌پذیر می‌سازد؛ از این رو محیط باید حمایت کافی برای رشد مطلوب کودک را به عمل آورد (Shariatmadari, 1987, p. 80). یکی از مهمترین فعالیت‌ها که تأثیر زیادی در روند دوستی کودکان دارد، بازی است. گیبسون^{۱۰} در نظریه‌ای به کارایی نقش محوری بازی در رسیدن به شناخت و درکی که در غالب بازی اتفاق می‌افتد، اشاره می‌کند و مهمترین پیامد آن را، مشارکت فعالی می‌داند که در حین بازی بین افراد اتفاق می‌افتد (Gibson, 1979, pp. 65-71). ماهیت دوران کودکی، بازی و اکتشاف است. کودک دوست دارد کنجکاوی و کاوش را همراه با بازی در دنیای خود انجام دهد. بنابراین محیط اطرافش باید مطابق با فعل‌انفعال درون کودک بوده و حس کنجکاوی او را برانگیزد. چنین قابلیت‌نیازمند انعطاف‌پذیری^{۱۱} محیط است (Fisher, 2007, p. 23). از آن‌جا که دنیا در نظر کودکان قابل انعطاف و مطابق اراده آن‌ها قابل تغییر است، کودک با قوه تخیل قوی خود، حتی می‌تواند بر محسوسات غلبه کرده و در ذهن خود دنیا را به هر شکلی که بخواهد در بیاورد (Fisher, 2007, p. 23). بنابراین محیط طراحی شده برای آن‌ها، باید زمینه ایجاد این تغییرات را فراهم آورد.

با ترویج کودکان به مشارکت در مراقبت و نگهداری از محل، به آن‌ها اجازه داده می‌شود که آزادانه خود را در خلق و کنترل قلمروها و مکان‌های ویژه خویش ابراز کنند. بدین ترتیب اسرار و فعالیت‌های کودکان در این مکان، در دوران کودکی از آسیب محافظت می‌شود (Chatterjee, 2005, p. 17). از طرفی هر اندازه که فرد بر محیط پیرامون خود تأثیر و کنترل بیشتری داشته باشد، احساسات وی با آن محیط بیشتر انس گرفته، توجه بیشتری به آن کرده و در حفظ و نگهداری آن تلاش می‌کند. فرد تنها نسبت به چیزهایی احساس محبت و وابستگی می‌کند که بتواند با آن‌ها احساس همزاد پنداری کند. چیزهایی که بازتاب وجود خود را در آن‌ها احساس کرده، آن قدر خود را وقف آن‌ها می‌کند که جزئی از دنیای شخصی او می‌شوند (Hertzberger, 2009, p. 170). بنابراین می‌توان احساس مسئولیت بیشتری را از سوی کودکان در روح فضای متعلق به خودشان حاکم کرد و حتی شرایطی را فراهم کرد که در طراحی دکوراسیون و مبلمان فضا ایفای نقش کنند. در این صورت آن‌ها فقط مصرف‌کننده فضا نخواهند بود، بلکه ساکن آن فضا به حساب خواهند آمد. به عبارتی از کاربر صرف به سکونت‌کننده تبدیل می‌شوند. این امر از طریق مشارکت کودک، در قالب بازی برای تغییر در فضا مانند همکاری در کاشت گیاهان، نقاشی روی دیوار، همکاری در تغییر مبلمان مورد نظر است. منظور از بازی-مشارکت تنها سرگرمی نیست، بلکه مشارکت هدفمند کودک در قالب بازی مورد توجه است (Noghrehkar et al., 2009, p. 47).

بازبینی شش تعریف دوستی که از بررسی‌های منسجم دال^{۱۲} به دست آمده، می‌تواند در تعریف دل‌بستگی مکان نیز ارزشمند باشد. با مروری بر عناصر دوستی تکاملی، می‌توان فهمید که چگونه شرایط دوستی بین همسالان می‌تواند در ایجاد دل‌بستگی مکان نیز تعمیم پیدا کند (جدول ۲) (Chatterjee, 2005, p. 14).

جدول ۲: معیارهای دلبستگی به مکان در کودکان

معیار های دوستی و تعامل (Doll, 1996)	شرایط پیشنهادی جهت ایجاد دلبستگی مکان	یافته‌های استنتاجی
<p>محبت متقابل و ملاحظات شخصی^{۱۳}</p> <p>معیاری که با آن هر دوست، احساس مسئولیت نسبت به دیگری نشان می‌دهد. (Hinde, 1979)</p>	<p>کودکان از یک مکان زمانی مراقبت می‌کنند که،</p> <ul style="list-style-type: none"> • از آن‌ها در برابر آسیب‌ها محافظت کرده و به نوعی فرصتی برای حفظ مکان به آن‌ها داده شود (Hart, 1997). • محیطی امن در برابر آلودگی، جرم و جنایت و سوء استفاده و تبعیض بوجود می‌آورد (Spencer & Woolley, 2000). • فرصت پاسخگویی به نیازهای فیزیکی کودک را فراهم می‌آورد (Chawla, 1992). 	<p>مراقبت از محیط</p> <p>مشارکت کودکان در مراقبت و حفظ مکان‌هایی که امن است و فرصت‌های مختلفی برای انجام فعالیت‌های مطلوب‌شان، بازی و علایق آن‌ها فراهم می‌کند.</p>
<p>منافع مشترک و فعالیت‌ها^{۱۴}</p> <p>نشان دهنده میزان زمان به اشتراک گذاشته، جهت انجام سرگرمی‌های مشترک با یکدیگر است. (Hartrup 1989a; Youngiss 1980)</p>	<p>مکان و کودک، طیف وسیعی از فعالیت‌ها و علاقه مندی‌ها را به واسطه کارایی و یا ویژگی‌های ذاتی محل به اشتراک می‌گذارند (Kytta 2003; Chawla 1992).</p>	<p>تعامل^{۱۵} مکان- کودک</p> <p>جایی که شرایط به اشتراک گذاری فعالیت‌های مورد علاقه کودک با کودکان دیگر را بوجود آورد.</p>
<p>تعهد^{۱۶}</p> <p>نیت دو طرفه دوستان به تداوم و تقویت روابط در طول زمان است (Hartup 1989a; Asher 1995; Hinde et al. 1985).</p>	<p>جایی است که از طیف متنوعی از منابع محیطی پشتیبانی کرده و تحقق کارایی‌ها را امکان پذیر می‌کند (Moore, 1986).</p> <p>فرصتی برای ایجاد امکانات جدید در طول زمان فراهم کرده و زمینه بروز علایق و فعالیت‌های کودکان ایجاد می‌کند (Kytta, 2003).</p>	<p>آموزش و مهارت</p> <p>از طریق تعامل مداوم و متقابل با محیط روزمره، کودکان کارایی‌های جدید در آن ایجاد می‌کنند.</p> <p>این امر از طریق کشف یا دستکاری کردن پی‌درپی کارایی‌ها، ویژگی‌ها و تنظیمات محیط پیرامون صورت می‌گیرد.</p> <p>تجربه مستقیم و غیر مستقیم مکان منجر به یادگیری محیطی و مهارت در کودکان می‌شود (Matthews, 1992).</p>
<p>وفاداری</p> <p>هدف دوستان حفاظت از علایق یکدیگر است (Hartup 1989a; Hinde, 1979)</p>	<p>مکانی که در طول یک دوره طولانی و در طول زمان در دسترس کودک است. و به کودک اجازه می‌دهد که مکان را خودی کرده و در دفاع از آن مکان در برابر دیگر گروه‌های ذینفع، رابطه ای وفادار را تضمین کند (Childress, 2004).</p>	<p>مکان اجازه خلق قلمروهای قابل تشخیص را در طول زمان می‌دهد؛ که کودک می‌تواند از آن دفاع و محافظت کند.</p>
<p>ابراز خویش و درک متقابل^{۱۷}</p> <p>معیاری که منجر به درکی متفاوت نسبت به دیگری می‌گردد (Hartup, 1989a) و نیازمند درک متقابل در رابطه است.</p>	<p>مکانی که اجازه کشف و شکل دادن به بسیاری از کارایی‌ها را به کودک می‌دهد. امکان خلق مکان‌های خاص برای پاسخگویی به نیازهای امنیتی و حفظ حریم خصوصی و انجام فعالیت‌های اکتشافی کودک را فراهم می‌آورد (Sobel, 1993).</p>	<p>احساسات و عواطف</p> <p>مکان شرایط خلق مکان‌های مخفی را فراهم می‌آورد. این امر با دخل و تصرف در کارایی‌ها و ویژگی‌ها و محافظت از آن مکان صورت می‌گیرد.</p> <p>در طی این فرآیند از حس خود، با تنظیم احساسات و عواطف خویش در مورد مکان پشتیبانی می‌کند.</p>
<p>هم تراز^{۱۸}</p> <p>قدرت به اشتراک گذاری روابط در میان دوستان (Hartup 1989a, Hinde 1979)</p>	<p>جایی که به ترویج زمینه‌های آزادی عمل با تحقق کارایی‌های محیط و به حداقل رساندن محدودیت‌های عمل می‌پردازد (Matthews, 1992).</p>	<p>آزادی بیان^{۱۹}</p> <p>مکان زمینه ای بوجود می‌آورد که کودک احساس مهار شدن در کاوش و تحقق درک همه کارایی‌های مکان را نداشته باشد.</p>

سه عامل نشان دهنده ایجاد شرایط دوستی، به اشتراک گذاشتن علایق و فعالیت‌ها، تعهد و وفاداری است که در محتوا بسیار شبیه به عوامل به وجود آورنده حس مکان است. هر سه این عوامل، ساختار شکل دهنده تعهد به مکان محسوب می‌شوند. بنابراین متون احساس تعلق به مکان نیازمند اذعان دلبستگی مکان به عنوان یک شکل معتبر از تعامل انسان با محیط است که منجر به بالاترین شکل حس مکان از طریق تعهد به مکان می‌شود (Chatterjee, 2005, p. 18). با توجه به نتایج حاصل شده می‌توان راهکارهای پیشنهادی جهت ایجاد شرایط دلبستگی به مکان را در سه دسته شرایط دوستی ذکر شده در بالا دسته بندی نمود و در همین راستا به تبیین راهکارهایی عملی در طراحی معماری فضاهای جمعی کودکان پرداخت.

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

همان طور که از مطالب ذکر شده برمی‌آید، در طراحی مکان‌ها برای کودکان ایجاد زمینه شکل‌گیری حس مکان به گونه‌ای که آن‌ها محیط اطرافشان را خودی کنند، امری ضروری است. با چنین رویکردی، ارتباطی دو سویه میان کودک و محیط شکل می‌گیرد؛ به صورتی که از یک سو کودک محیط خود را می‌سازد و از سوی دیگر محیط به جهان یادگیری کودک شکل می‌بخشد.

با در نظر گرفتن عوامل شکل‌دهنده حس مکان در جدول ۱ و موارد پیشنهادی ایجاد احساس دلبستگی در کودکان در جدول ۲، راهکارهای طراحی ارائه شده را می‌توان در سه دسته معیارهای شکل‌گیری حس مکان در کودکان (اشتراک‌گذاری علائق و فعالیت‌ها، تعهد، وفاداری) تقسیم بندی نمود. این موارد به همراه عوامل مؤثر شکل‌دهنده حس مکان بر آن، به طور خلاصه ارائه شده است (جدول ۳).

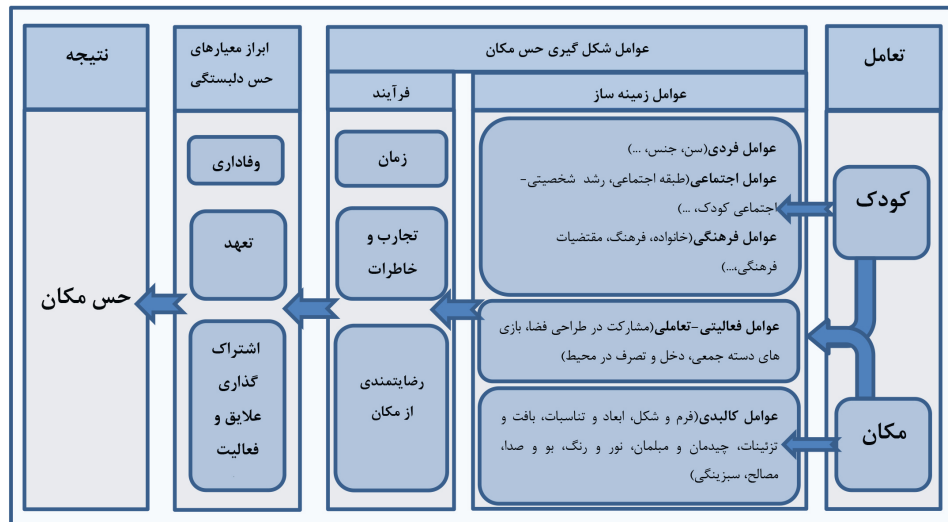
جدول ۳: ارائه راهکار و پیشنهادات طراحی

معیارهای ایجاد حس مکان در کودک	یافته های استنتاجی چاترچی ^{۲۱} (Chatterjee, 2005)	پیشنهادات و راهکارها	راهکارهای عملی در طراحی فضا
<p>به اشتراک گذاری علایق و فعالیت‌ها</p> <p>↕</p> <p>عوامل مؤثر در شکل‌گیری حس مکان:</p> <ul style="list-style-type: none"> • مشارکت در طراحی مکان • عوامل فعالیتی و تعاملی • کالبدی • عوامل اجتماعی 	<p>- مشارکت^{۲۲} کودکان در مراقبت و حفظ مکان‌هایی که امن است و فرصت‌های مختلفی برای انجام فعالیت‌های مطلوبشان، بازی و علایق آن‌ها فراهم می‌کند</p> <p>-جایی که شرایط به اشتراک‌گذاری فعالیت‌های مورد علاقه کودک با کودکان دیگر را بوجود آورد.</p>	<p>خلق مکان‌ها با ویژگی‌های زیر:</p> <p>* مکان به گونه‌ای که کودک در آن احساس امنیت کند.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد مناظر آرام با کاربرد آب و فضای سبز و کم کردن آلودگی صوتی (عامل کالبدی). • طراحی ارتفاع و تناسبیات فضا براساس ابعاد و تناسبیات کودک (عامل کالبدی). • طراحی پلان آزاد با گشایش فضایی به گونه‌ای که کودک خود را محصور در میان دیوارها نیابد (عامل کالبدی). • طراحی فرم‌ها با اشکال مأنوس کودکان (مانند: خانه، کلیه و ...).
		<p>* مکان با آزادی عمل برای مداخله در تغییرات فضا.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • طراحی میلمان سبک و قابل جابجایی توسط کودک برای مکان‌های مختلف (عامل کالبدی و فعالیتی)
		<p>* مکان کودک را به کاوش و اکتشاف محیط ترغیب کند (با امکان لذت بردن از تجربه فضاهای جدید).</p>	<ul style="list-style-type: none"> • طراحی فضاها با قابلیت‌های بصری و حرکتی متنوع (عامل کالبدی). • مشاهده بخش‌های متفاوت و غیر قابل پیش‌بینی فضا و فعالیت‌های مختلف (عامل کالبدی). • تباین طراحی کالبدی (عامل کالبدی).

<ul style="list-style-type: none"> طراحی مکان هایی با قابلیت بازی های دسته جمعی، نقاشی های دیواری، کتیبه نویسی و... که در حین آن تعامل کودک با کودکان دیگر افزایش یابد(عامل فعالیتی-تعاملی، مشارکت در طراحی و اجتماعی). 	<p>*مکان با امکان بروز فعالیت های جمعی</p>	<p>- مکان زمینه‌ای بوجود آورد، که کودک احساس مهار شدن در کاوش و تحقق درک همه کارایی‌های مکان را نداشته باشد.</p>	
<ul style="list-style-type: none"> تغییر در رنگ و نور فضا با طراحی شیشه های رنگی متحرک توسط کودک. (عامل کالبدی و مشارکت در طراحی) 	<p>*مکان با امکان مشارکت کودک در تغییر فضا در غالب بازی(بازی-مشارکت)</p>		
<ul style="list-style-type: none"> طراحی پارتیشن های سبک با قابلیت تغییر و جابجایی توسط کودکان(عامل کالبدی و مشارکت در طراحی). مکان هایی با تناسبات کودکان، قلمروهای اختصاصی ایجاد می کند(عامل کالبدی). 	<p>*مکان با امکان ایجاد قلمروهای اختصاصی توسط خود کودک.</p>	<p>از طریق تعامل مداوم و متقابل با محیط روزمره، کودکان کارایی‌های جدید در آن ایجاد می‌کنند. این امر از طریق کشف یا دستکاری کردن بی در پیکارایی‌ها، ویژگی‌ها و تنظیمات محیط پیرامون صورت می‌گیرد.</p>	<p>تعهد</p> <p>عوامل مؤثر در شکل گیری حس مکان:</p> <ul style="list-style-type: none"> مشارکت در طراحی مکان زمان خاطرات و تجارب کالبدی عوامل فعالیتی و تعاملی زمان خاطرات و تجارب
<ul style="list-style-type: none"> به حداقل رساندن مرز فیزیکی بین درون و بیرون(محیط زیست) (عامل کالبدی). حداکثر ارتباط بصری به منظر طبیعی، با قرار دادن پنجره ها در ارتفاع چشم کودک و ایجاد سزینگی در پس زمینه(عامل کالبدی). 	<p>*مکان فراهم کننده فرصت هایی برای یادگیری از محیط زیست.</p>	<p>- تجربه مستقیم و غیر مستقیم مکان منجر به یادگیری محیطی و مهارت در کودکان می‌گردد.</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ایجاد گلدان ها و باغچه های کوچک برای همکاری در کاشت و مراقبت از گیاهان(عامل کالبدی و مشارکتی، فعالیتی و زمان). 			
<ul style="list-style-type: none"> فراهم آوردن محیطی که امکان ساخت و ساز توسط کودک وجود داشته باشد مانند:ساخت قلعه ها غارهای بازی و ... (عامل کالبدی، خاطرات و تجارب، مشارکتی و فعالیتی). 	<p>*مکان با امکان مشارکت کودک در چیدمان فضا و تغییر در مبلمان سبک.</p>		
<ul style="list-style-type: none"> طراحی گوشه های دنج کودکانه و ایجاد پتانسیل های مخفی شدن در حین بازی(عامل کالبدی و فعالیتی). طراحی فضاهای کوچک و نیمه محصور که سبب افزایش احساس نزدیکی، صمیمیت و امنیت میشود(عامل کالبدی). 	<p>*مکان با فرصت ایجاد فضاهای مخفی برای کودک به دور از کنترل بزرگسالان، در عین تأمین امنیت.</p>	<p>مکان اجازه خلق قلمروهای قابل تشخیص را در طول زمان می‌دهد. که کودک می‌تواند از آن دفاع و محافظت کند.</p> <p>-مکان شرایط خلق فضاهای مخفی را فراهم می‌آورد. این امر با دخل و تصرف در کارایی‌ها و ویژگی‌های و محافظت از آن مکان صورت می‌گیرد.</p> <p>در طی این فرآیند کودک، با تنظیم احساسات و عواطف خویش از مکان پشتیبانی می‌کند.</p>	<p>وفاداری</p> <p>عوامل مؤثر در شکل گیری حس مکان:</p> <ul style="list-style-type: none"> مشارکت در طراحی مکان عوامل فعالیتی و تعاملی کالبدی زمان
<ul style="list-style-type: none"> -طراحی به گونه ای که امکان خلق مکانی خصوصی و خلوت در دل فضاهای بزرگتر توسط کودک از طریق طراحی انعطاف پذیر وجود داشته باشد. (عامل کالبدی و مشارکتی و فعالیتی). 	<p>*مکان با ایجاد محیط های انعطاف پذیر که امکان خلق ویژگی های متفاوت محیطی را فراهم می آورد.</p>		

با توجه به راهکارهای ارائه شده، مشاهده می‌شود که مکان و کودک در طی رابطه‌ای تعاملی با یکدیگر، عوامل مختلفی را جهت ایجاد دلبستگی به اشتراک می‌گذارند. کودک از طریق عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی و مکان از طریق عوامل کالبدی و فعالیتی-تعاملی، زمینه ایجاد حس مکان را فراهم می‌آورند. این فرآیند در طول زمان و با شکل‌گیری خاطرات و تجارب در مکان، میزان رضایتمندی کودک را از محیط افزایش می‌دهد. میزان این رضایت با بروز احساساتی چون وفاداری، تعهد و با به اشتراک گذاری علایق و فعالیت‌هایشان در محیط و با گروه همسالان قابل تشخیص است. که در نهایت حس مکان را در کودک شکل می‌دهد. با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان مدل پیشنهادی تبیین دلبستگی به مکان را در کودکان به صورت زیر ارائه نمود (شکل ۱).

شکل ۱: مدل تبیین شده از فرآیند شکل‌گیری حس مکان در کودکان



پی نوشت

1. Chawla
2. Proshansky
3. Korpela
4. Schulz
5. Sense of Place
6. Place Attachment
7. Identity
8. Place Identity
9. Ralph
10. Gibson
11. Flexibility
12. Doll
13. Mutual Affection and Personal Regard
14. Shared Interests and Activities
15. Interaction
16. Commitment
17. Loyalty
18. Self-disclosure and Mutual Understanding
19. Horizontality
20. Freedom of Expression
21. Chatterjee
22. Partnership

References

- Bowlby, J. (1982). *Attachment and Loss*, Vol. I: Attachment, 2nd Ed. New York: Basic Books.
- Bretherton, I. (1985). *Attachment Theory: Retrospect and Prospect*. In I. Bretherton and E. Waters, eds. Monographs of the Society for Research in Child Development. Vol. 50, nos. 1-2. Chicago: The University of Chicago Press.
- Chatterjee, S. (2005). *Children's Friendship with Place: A Conceptual Inquiry*, Children Youth and Environments, Environmental Health, and Other Papers, 1-26. 15(1).
- Chawla, L. (1992). *Childhood Place Attachments*. In A. Altman and S.M. Low, eds. Place Attachment. New York: Plenum. Vol. 12.
- Chawla, L. & Heft, H. (2002). Children's Competence and Ecology of Communities: A Functional Approach to the Evaluation of Participation. *Journal of Environmental Psychology*. 22, 201-216.
- Childress, H. (2004). Teenagers, Territories and the Appropriation of Space. *Childhood*. 11(2), 195-205.
- Doll, B. (1996). Children without Friends: Implications for Practice and Policy. *The School Psychology Review*. 25(2), 165-183.
- Daneshpour, A., Sepehri Moghadam, M. & Charkhchian, M. (2009). Explanation of the Sense of Space and Analyzing of Dimensions and its Different Aspects. *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 38, 37-50.
- Falahat, M.S. (2006). The Sense of Space and Its Factors. *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 26, 57-66.
- Fisher, R. (2007). *Teaching Children to Think*. (M. Safaie Manesh & A. Najarian, Trans.). Ahvaz: Rasesh Organization.
- Gibson, J.J. (1979). *The Ecological Approach to Visual Perception*. Boston: Houghton Mifflin.
- Gordon J. (2010). Place Matters: The Significance of Place Attachments for Children's Well-Being. *British Journal of Social Work*, 40, 755-771.
- Hart, R. (1979). *Children's Experience of Place*. New York: Irvington Publishers, Distributed by Halsted Press.
- Hartrup, W.W. (1989a). Social Relationships and Their Developmental Significance. *American Psychologist*, 44, 120-126.
- Hinde, R.A. (1979). *Towards Understanding Relationships*. London and New York: Published in Co-operation with European Association of Experimental Social Psychology by Academic Press.
- Habibi, R.S. (2008). Images and the Meaning of Place. *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 35, 39-50.
- Hertzberger, H. (2009). *Lessons for Students in Architecture* (B. Mirhashemi & B. Khabaz Beheshti, Trans.). Tehran: Arad Organization.
- Korpela, K. (2002). *Children's Environment*. In R.B. Bechtel and A. Churchman, eds. Handbook of Environmental Psychology. New York: John Wiley and Sons, 363-373.
- Kytta, M. (2003). *Children in Outdoor Contexts: Affordances and Independent Mobility in the Assessment of Environmental Child Friendliness*. Helsinki: Helsinki University of Technology.
- Matthews, M. H. (1992). *Making Sense of Place: Children's Understanding of Large-Scale Environments*. Hemel Hempstead, Harvester Wheat sheaf Sustainable Development Commission (2007) Every Child's Future Matters, London, SDC.
- Moore, R. (1986). *Childhoods Domain*. London, Croom-Helm
- Modiri, A. (2008). Place. *Hoviatehshahr Journal*, 2, 69-79.
- Noghrehkar, A.H., Mozafar, F., Saleh, B., Shafaie, M. (2010). Kindergartens Space Design based on the Relationship between Creativity and the Idea of Architectural Characters. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 32, 47.
- Proshansky, H.M., Fabian, A.K. & Kaminoff, R. (1995). *Place-Identity: Physical World Socialization of the Self*. In Groat, L.N., ed. Giving Places Meaning. London: Academic Press.
- Partovi, P. (2005). Place and Space, Phenomenological Approach. *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 14, 40-47.
- Schulz, C.N. (2009). *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture* (S. Ayvazian, Trans.). Tehran, Iran: Tehran University Publishing Co.
- Shariatmadari, A. (1987). *Educational Psychology*. Tehran: Amirkabir Publishing Co.

- Sobel, D. (1993). *Children's Special Places: Exploring the Role of Forts, Dens, and Bush Houses in Middle Childhood*. Tucson, Arizona: Zephyr Press.
- Spencer, C. & Woolley H. (2000). Children and the City: A Summary of Recent Environmental Psychology Research. *Child: Care, Health and Development*. 26, 181-198.
- Siegel, A. W. & White, S. H. (1975). *The Development of Spatial Representations of Large-scale Environments*. In H. W. Reese (ed.), *Advances in Child Development and Behavior*, New York, Academic Press, 241-62.
- Thomas, G. & Thompson, G. (2004). *A Child's Place: Why Environment Matters to Children*. London, Green Alliance/Demos.
- Youngiss, J. (1980). *Parents and Peers in Social Development. A Piaget-Sullivan Perspective*. Chicago: University of Chicago Press.

